

## رفیق عبدالکریم اخیرایی

(اجیرانی و یا آژیرانی)

رفیق عبدالکریم در خانواده ای متوسط الحال متولد شد. جوهر کاری و روح تلاشگر وی او را واداشت که از همان دوره نوجوانی، روی پای خود بایستد و نه تنها خرج زندگی خود را مستقلاً تامین کند، بلکه کمک خرج خانواده خود نیز باشد. از این رو به عنوان کارگر ساده به کار پرداخت. در زندگی به عنوان یک کارگر و در میان کارگران، رفیق کریم چهره سرمایه داری را از نزدیک و با چشمان خود دید، ستم طبقاتی و استثمار را با گوشت و پوست خود احساس کرد و کینه طبقاتی را شناخت و در دل خود ذخیره کرد.

در انقلاب سال 57، کریم به عنوان یک کارگر پیشرو، دوشادوش و دست در دست تمام کارگرانی که برای سرنگونی رژیم استبدادی و سرمایه داری شاه، مبارزه می کردند، حرکت کرد و در این مسیر پُر بار آگاهی و تجربه بسیار کسب کرد و درس ها آموخت. اما درس ها و تجربیات اصلی را از شکست انقلاب فرا گرفت. او دریافت که اگر طبقه کارگر رهبری توده های زحمت کش را در انقلاب به دست نگیرد، انقلاب به قهقرا می رود و دستگاه قلدری و بهره کشی اقلیت استثمارگر دوباره بر پا می شود. او همچنین دریافت که برای تأمین رهبری طبقه کارگر بر انقلاب، تشکل و آگاهی طبقاتی کارگران به رسالت تاریخی خود و گرد آمدن آنها در زیر پرچم واحد یک سازمان سیاسی انقلابی، از چه اهمیت بزرگی برخوردار است. براساس درک این ضرورت بود که رفیق کریم به صفوف سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر) پیوست و تا واپسین دم زندگی خود، در سنگر راه کارگر، برای دفاع از انقلاب، برای دفاع از منافع عموم کارگران و زحمت کشان و برای برچیده شدن بساط ستم سیاسی و بهره کشی جنگید و به همین جرم نیز مورد غضب و انتقام رژیم اسلامی قرار گرفت. رفیق عبدالکریم اخیرائی در سحرگاه دوم آذرماه 1360 به اتفاق هم سنگران تسلیم ناپذیرش، رفقا حسین مومنی و فرهاد بامیار، در گرگان به جوخه تیرباران سپرده شد و یک بار دیگر ثابت کرد که کارگران کمونیست، گلوله های دشمن را به جان می خرنند، اما طبقه خود را نمی فروشند.